

ج- مداحی: آن هم به شکل مبالغه آمیز و چابلسانه. بطوری که شأن و مقام ممدوح را حتی گاهی تا سر حد پیامبران بالا برده اند مثلاً امیر معزی در باب ممدوح خود چنین مبالغه آمیز سروده است:

گر نازش مسلمان از زمزم است و کعبه

تخت تو هست کعبه پای تو هست زمزم (۳۰)

(امیر معزی)

یا انوری چنین سروده:

خواستم گفت ملک هفت زمینت	همه زیر نگین خاتم باد
آسمان گفت گر منم چو نگینش	اندر آن رقعہ نام من هم باد
قهرمان تو موسوی دستت	ترجمان تو عیسوی دم باد (۳۱)

(انوری)

این نوع مبالغه در حق ممدوح در شعر دوره غزنوی و سامانی یافت نمی شد و یا حداقل بسامد آن بسیار کم بود و این از محسنات شعر دوره غزنوی محسوب می گردد و بدون تردید از معایب شعر دوره سلجوقی است.

د- اشعار تعلیمی: که در آن به ارشاد و راهنمایی خلق پرداخته اند، این نوع اشعار - غیر از تعالیم صوفیانه و عرفانی که جای خود را داراست - در اشعار شاعران قرون پنجم و ششم کم نیستند، تعدادی از قطعات و حتی قصاید انوری برخوردار از تعلیم است، برخی از اشعار شاعرانی چون مختاری غزنوی، جمال الدین اصفهانی، ظهیر فاریابی تعلیمی و اخلاقی است، ذیلاً به چند مورد از این باب اشارت می شود:

جمال الدین اصفهانی قصیده ای دارد که به استقبال قصیده سنایی رفته است و به نظر نگارنده یکی از بهترین قصاید تعلیمی شعر فارسی است مطلع آن این است:

الحدار ای عاقلان زین وحشت آباد الحدار

الفرار ای عاقلان زین دیو مردم الفرار (۳۲)

انوری در قطعه ای با مطلع زیر چه نیکو به تعلیم پرداخته است:

هر که تواند که فرشته شود خیره چرا باشد دیو و ستور (۳۳)

یا اثیر الدین آخسیکتی در قصیده ای با مطلع زیر به پند گویی مشغول شده

است:

آن را که چار گوشه عزلت میسر است  
گو پنج توبه کن که شه هفت کشور است (۳۴)  
ظهیر فاریابی نیز قصیده بسیار زیبایی دارد که هم جنبه عرفانی را داراست و هم جنبه اخلاقی را، مطلع آن قصیده پر شور این است:

شنیدم آیه تو بوا الی اله از لب حور (۳۵)  
سپیده دم که شدم محرم سرای سرور  
هـ تلمیح: از اختصاصات بارز شعر این دوره به کارگیری تلمیحات فراوان در جای جای آن است، تلمیح به آیات قرآنی، احادیث نبوی و قدسی و صحابه، تاریخ اسلام، تاریخ ایران قبل از اسلام، داستان پیامبران و جز آن و به تعاقب تلمیح، تضمین از آیات قرآنی و احادیث نیز معمول بود.

اینک به نمونه‌هایی در این باب اشارت می‌شود:  
سنایی قصیده‌ای دارد که قوافی آن تماماً تلمیح به آیات قرآنی است که بعضی از آنها نیز جنبه تضمین دارد، دو بیت اول آن این است:

ای منزّه ذات تو عمّا يقول الظالمون گفت علمت جمله را مالم تکونوا تعلمون  
چون منزّه باشد از هر عیب ذات پاک تو جای استغفارشان باشد و هم یستغفرون (۳۶)  
تلمیح به داستانهای قیصر روم و داستانهای شاهنامه از اثیرالدین آخسیکتی:

در روم سفر کرده آوازه قهر او تا قصر بهشت آسا زندان شده بر قیصر  
ای خصم ز تیغ تو دستان زده با بهمن وی بزم ز لطف تو بستان شده بر آذر (۳۷)  
در ابیات زیر از حکیم مختاری تلمیح به داستان پیامبران است:

باغ چو میدان آبگینه شد از خوید برگ شکوفه ز باد تخت سلیمان  
دامن خود برکشید سرو چو بلیس کآب گمان کرد آبگینه میدان (۳۸)  
در ابیات زیر از انوری تلمیح به گفتار و کردار حضرت علی علیه السلام است:

ای در جوال عشوه علی وار ناشده از حرص دانگانه به گفتار روزگار  
تیغ جهادت از پی تمهید اقتداش ایمن چو ذوالفقار ز زنگار روزگار (۳۹)  
ادیب صابر نیز تلمیح به تاریخ اسلام دارد:

ز روزگار به رنجم ز دوستان محروم  
چو مرتضی ز خلافت، چو فاطمه ز فدک (۴۰)

و- به کارگیری اصطلاحات علوم و فنون: از خصایص بارز شعر این دوره

به کارگیری انواع و اقسام اصطلاحات علمی و فنی است از قبیل اصطلاحات نجوم و هیأت، طب قدیم و طب اسلامی، ریاضی، حکمت و فلسفه، انواع و اقسام داروها و گیاهان، همچنین اصطلاحات بازیهای چون شطرنج، نرد و قمار و اصطلاحات موسیقی و دستگاههای آن.

این نوع اصطلاحات در اشعار شاعران این دوره مملو و فراوان است، شاعرانی چون انوری، ازرقی، ادیب صابر، اثیرالدین آخسیکتی، مسعود سعد، لامعی گرگانی و... به جهت داشتن اطلاعات و معلومات فراوان و هم برای فضل فروشی و فخر بسیار از اینگونه اصطلاحات سود برده‌اند.

ذیلاً به نمونه‌ای از اینگونه کاربردها اشارت می‌رود:

اصطلاحات نجوم و هیأت:

اجرام فلک یک به یک اندر قلم آرند      گر عرض دهد عارض جاه تو حشم را  
بر جای عطارد بنشانند قلم تو      گر در سر منقار کشد جذر اصم را  
انوری (۴۱)

کیوان موافقان تو را گر جگر خورد

نسرین چرخ را جگر جدی مسته باد  
ور مشتری جوی ز هوای تو کم کند  
یکباره مرغزار فلک خوشه رسته باد  
مریخ اگر به خون حسود تو تشنه نیست

زنگار خورده خنجر و جوشن گسسته باد

انوری (۴۲)

خیال وار چو ماه مقنّع از سر کوه      ز روی چرخ همی تافت زهره و بهرام  
مجرّه گشته به کردار مسندی ز بلور      سپهر گشته بکردار گنبدی زرفام  
همه سراسر گردون ز کوکب زرین      چو پشت کره اشهب ز گوهرینه ستام  
عمق بخارایی (۴۳)

تا جان و کالبد را با هم بود ثبات

تا ماه و مشتری را با هم فتد قران

بر هفت چرخ ملک تو ای مه بسی بتاب  
وز هفت عضو دهر تو ای جان بسی بمان  
اثیرالدین آخسیکتی (۴۴)

اصطلاحات طبی و دارویی:

بادند حاسدان تو آبی صفت همه  
پشمین لباس و زر تن و رخسار و قار دل

چون کو کنار خورده ز سودا دماغ سر  
وز خرّمی تهی شده چون کو کنار دل  
سوزنی سمرقندی (۴۵)

سودائست بخت و نگویم که هر زمان  
جرمی نکرده بر من صفرا کند همی  
چون هر چه بود خون همه پالوده شد ز چشم  
بی خون مرا چراست که سودا کند همی  
مسعود سعد (۴۶)

چشم زره اندر دل گردان بشمارد  
بی واسطه دیدن شریان ضربان را  
انوری (۴۷)

اصطلاحات مربوط به شطرنج و انواع قمار:

خود نرود ور کنم جهد به راندن بود  
رفتن او بر مثال رفتن فرزین مدام  
لامعی گرگانی (۴۸)

همه در ششدر عجزند و تو را داو به هفت

ضربه بستان و بزن زانکه تمامی ندبست  
انوری (۴۹)

گر شاه سه شش خواست سه یک زخم افتاد  
زنهار مگو که کعبتین داد نداد  
کان نقش که کرد رای شاهنشاه باد

در خدمت شاه روی بر خاک نهاد  
ارزقی (۵۰)

اصطلاحات موسیقی و انواع سازها:

این بریطیست صنعت او سحر آشکار  
 عودست نام او و بدینسان که دید عود  
 و اندر عجب ز صنعت او چشم روزگار  
 زینگونه برده عنبر و عود اندرو به کار  
 ارزقی هروی (۵۱)

مطربان را و ندیمان را آواز دهند

تا سماعی خوش و عیشی به نوا درگیرند

راویان هر نفسی تهیتی نو خوانند

مطربان هر کرتی پرده دیگر گیرند

سید حسن غزنوی (۵۲)

بنالم ایرا بر من فلک همی کند آنک  
 به زخمن زخمه بر ابریشم رباب کنند

مسعود سعد (۵۳)

و- به کارگیری بیشتر لغات عربی: در شعر این زمان نسبت به قرون پیشین لغات و ترکیبات زبان عربی بیشتر به کار گرفته می شود و بعضی از لغات سره فارسی که در شعر دوره های سامانی و غزنوی رایج بود در این زمان به مرور به فراموشی گرایید. البته این امر در نثر این دوره بیشتر مشهود است که در جای خود باید بدان پرداخت.

\*\*\*